

سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال حفاظت از خاک مصوب ۱۳۹۸ با تأکید بر معیار جامعیت و تناسب

محمدعلی حاجی‌ده‌آبادی* و آرش غریبی**

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۵	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۷	شماره صفحه: ۱۷۷-۱۴۳
-------------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

یکی از مهم‌ترین مسائل در ارتقای بهره‌وری و کارآمدی نظام‌های حقوق کیفری، ارزیابی سیاست جنایی تقنینی به‌منظور بهبود عملکرد و تبیین نقاط قوت و ضعف قوانینی است که قانونگذاران در راستای سیاست‌های کلان ابلاغی انجام می‌دهند. با توجه به اهمیت موضوع خاک در امنیت غذایی و سلامت جامعه و محیط زیست، ارزیابی قوانین این حوزه ضرورت ویژه‌ای می‌طلبد. در این جستار، سیاست جنایی تقنینی ایران در مورد قانون حفاظت از خاک مصوب سال ۱۳۹۸ حسب معیار جامعیت و تناسب براساس روش تحلیلی-توصیفی مورد ارزیابی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد قانون یادشده فاقد جامعیت است زیرا از سویی به پیشگیری‌های اجتماعی آموزش‌محور مثل رسانه‌های دولتی به‌شکل غیرمستقیم توجه شده و از سویی دیگر راهبردهای مشارکتی مورد غفلت قرار گرفته است. البته درخصوص پیشگیری وضعی قانونگذار اهتمام و توجه بیشتری داشته و مواد متعددی را به این مهم اختصاص داده است. درباره راهبردهای کیفرگذاری و کیفرگزینی نیز قانون یادشده افزون بر عدم انسجام با دیگر قوانین، عملاً نهاد دادرسی را از جریان پیگیری و پیشگیری جرم خارج کرده و از اقدام‌های تأمینی و تربیتی به‌مثابه تدابیر اصلاحی غفلت شده است.

کلیدواژه‌ها: سیاست جنایی تقنینی؛ جامعیت؛ حفاظت از خاک؛ انسجام؛ تدابیر پیشگیری؛ تدابیر کیفری

* دانشیار گروه جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم (نویسنده مسئول)؛

Email: ma.hajidehabadi@qom.ac.ir

** دانشجوی دکتری گروه جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم؛

Email: arashghariby@gmail.com

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی و یکم، شماره یکصد و بیستم، زمستان ۱۴۰۳

خاک به عنوان موهبت الهی به بشر از منابع حیات او است؛ از این رو اهمیت حفاظت و نگهداری از آن بر کسی پوشیده نیست. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در مقام اظهار نظر در خصوص قانون حفاظت از خاک قبل از تصویب، در مقدمه گزارش خود آورده است: «از آنجاکه بیشتر مناطق صنعتی کشور در نزدیک شهرها واقع است، زمین‌های مذکور ارزش اقتصادی زیادی دارند، اما هر ساله صدها هزار مترمربع از زمین‌های کشور در نتیجه پسماند و پساب حاصل از بخش صنعتی به زمین‌های مرده تبدیل می‌شوند که دیگر هیچ‌گاه کارایی قبلی خود را به دست نخواهند آورد». این مقدمه به خوبی اهداف و چرایی تصویب قانون حفاظت از خاک را از منظر قانونگذار ارائه می‌کند. توجه به این اهداف در ارزیابی سیاست جنایی در قبال تعدی به این منبع مهم حائز اهمیت است. سیاست جنایی مجموعه روش‌هایی است که با آن بدنه اجتماعی پاسخ‌های خود را به پدیده مجرمانه سازمان‌دهی می‌کند (دلماش مارتی، ۱۳۹۸: ۱۰۳). در این تعریف به غیر از پدیده مجرمانه به این نکته توجه شده است که علاوه بر دولت، جامعه نیز در خصوص حوزه سیاست جنایی مسئولیت دارد. البته این تعریف چندان ناظر به ماهیت سیاست نیست و در تعریفی بهتر می‌توان سیاست جنایی را مجموعه‌ای از استراتژی‌ها و خط‌مشی‌ها دانست که در هر جامعه معین دولت با مشارکت جامعه مدنی زیر نظر دولت در پاسخ‌دهی به جرم و انحراف، اتخاذ و اجرا می‌کند (حاجی ده‌آبادی، ۱۴۰۰) این مهم بر مبنای مدل‌های مشخصی، سازمان‌دهی می‌شود.

از یک منظر، مهم‌ترین مدل‌ها: ۱. مدل محافظه کارانه که دربردارنده پیشنهاد افزایش مجازات برای مجرمان برای کاهش جرم است و ۲. مدل لیبرال که مبتنی بر پیشنهاد برنامه‌های اجتماعی با هدف کاهش جرم و جنایت از طریق کاهش

فقر (Deichsel, 1994: 185) است. جاربرگ^۱ که سیاست جنایی را «بحث و تصمیم‌گیری اجتماعی یا مدنی در مورد همه جنبه‌های جرم و مجازات کیفری» می‌داند؛ به‌طور خاص استدلال می‌کند که همه انواع تصمیم‌گیری‌های اجتماعی می‌تواند جنبه سیاست جنایی داشته باشد (Jareborg, 1995: 18). از این منظر جنبه‌های سیاست جنایی را می‌توان در زمینه‌هایی مانند سیاست آموزشی، سیاست مدیریت ترافیک، سیاست اجتماعی، سیاست بازار کار و غیره یافت (Weyembergh and Wieczorek, 2016: 32).

سیاست جنایی دربردارنده جنبه‌های نظری و عملی است و البته موضوع حائز اهمیت هماهنگی «سیاست جنایی نظری»^۲ با «سیاست جنایی عملی»^۳ است (Lathi, 2000: 142). یک سیاست جنایی باید مبنای تجربی محکمی داشته باشد که شامل آمار مربوط به جرم و همچنین تحقیقات، تعقیب قضایی، احکام، محکومیت‌ها، اجرای مجازات‌ها و تمام جنبه‌هایی است که به عملکرد سیستم عدالت کیفری مربوط می‌شود.

توجه به این نکته حائز اهمیت است که در میان سیاستگذاری‌های عمومی، سیاست جنایی به‌عنوان دانشی که پیوند جدی با اساسی‌ترین حقوق انسانی دارد از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (تقی‌زاده، نوبهار و غلامی‌دون، ۱۳۹۸: ۳۵۴) و از نظر ساختاری و مبنایی، به‌طور عمده از برآیند آموزه‌ها و تعلیمات سه رویکرد سیاسی، جامعه‌شناختی و حقوقی تشکیل می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۴۰۰: ۶۵). درهرحال سیاست جنایی در سه حوزه تقنین، قضا و اجرا جریان می‌یابد. سیاست جنایی تقنینی، راهبردهایی است که در مقام قانونگذاری برای مواجهه با پدیده مجرمانه

1. Jareborg

2. Theoretical Criminal Policy

3. Practical Criminal Policy

باید مطمئن نظر قرار گرفته شود. عدم توجه به این راهبردها موجب می‌شود قوانین از انسجام کافی برخوردار نباشد و جامعیت لازم را نداشته باشد و تناسب لازم بین عمل مجرمانه و واکنش کیفری با اهداف مدنظر سیاستگذاران برقرار نشود. بخشی از راهبردها و استراتژی‌ها را می‌تواند یک رهبر یا مجمع به نمایندگان مجلس یا کسانی که قانونگذاری می‌کنند، وضع و ابلاغ کند. بخش دیگر از منابع الهام‌بخش قانون مثل قانون اساسی، قابل استنباط است و در نتیجه در قوانین و مقررات جزایی تجلی می‌یابد. نکته‌ای که وجود دارد قلمرو وسیع حقوق جزا است. چنانچه قانون مجازات تنها محل بیان نهایی سیاست جنایی تقنینی (در مفهوم مضیق) می‌بود، وظیفه مفسر نسبتاً ساده بود؛ ولی حقوق کیفری در سطح گسترده‌ای از مقررات قانون مجازات فراتر می‌رود (لازرژ، ۱۴۰۰: ۱۲۷). به همین منظور بررسی قوانین کیفری در تطبیق با اهداف سیاست جنایی کار آسانی نیست؛ مخصوصاً قوانینی مانند قوانین ایران که حیاتی با دو منشأ زیستی (شرع و حقوق عرفی) دارد. به همین منظور صحبت از ارزیابی قوانین کیفری در قلمرو حقوق ایران (پرادل، ۱۳۷۶: ۷۳؛ بابایی و مهدوی، ۱۳۹۱: ۱۰۱) باید با در نظر گرفتن این محدودیت‌ها باشد.

اساساً وقتی از ارزیابی^۱ صحبت می‌شود، مقصود سنجش نتایج حاصل از استراتژی‌ها و خط‌مشی‌ها با اهدافی است که مدنظر متولیان سیاست جنایی بوده است؛ تا مشخص شود که آیا آن اهداف محقق شده یا خیر؟ اگر اهداف محقق نشده است، اولاً چه کار باید کرد؟ ثانیاً چرا اهداف به سرانجام نرسیده است؟ آیا ابزارهای در دسترس، برای تحقق این سیاست ناکافی بوده یا به ضعف مجریان سیاست مربوط است؟ یا اینکه عوامل خارجی در عدم تحقق اهداف دخیل بوده است؟ ارزیابی سیاست جنایی، ارزیابی سیاستگذاری‌ها در نظام عدالت کیفری، تحلیل، تفسیر و تبادل شیوه‌های

تنظیم کاهش جرم است. همچنین پاسخ به این پرسش است که چرا این برنامه با چنین شیوه‌های اجرایی، نتایج خوب یا بدی به دست می‌دهند (نوبهار و تقی‌زاده، ۱۳۹۸: ۸۰۴). ارزیابی سیاست جنایی در هریک از حوزه‌های تقنینی قضا و اجرا اولاً مستلزم داشتن معیارها و ثانیاً مبانی مشخصی است.

ازجمله معیارهای مهم در ارزیابی، معیار «جامعیت» و «تناسب» است. سیاست جنایی راهبردهای پیشینی و پسینی دارد. به این معنا که سیاست‌های جنایی دربرگیرنده اقدام‌های پیشگیرانه قبل از وقوع جرم و اقدام‌های کیفری پس از جرم و مجازات است. یک سیاست جنایی نمی‌تواند صرفاً ابعاد کیفری را دربرگیرد یا فقط به ابعاد پیشگیرانه بپردازد بلکه باید شمولیت، جامعیت و تناسب داشته باشد. به لحاظ مبانی نیز می‌توان از مبانی علمی، فقهی، حقوقی یا فلسفی بهره گرفت در این میان یافته‌های جرم‌شناسی در حوزه‌های مختلف آن به عنوان دانشی حائز اهمیت است که به علل و عوامل جرم (به لحاظ جرم‌شناسی نظری) و چگونگی مواجهه با جرم (شاخه‌های مختلف جرم‌شناسی کاربردی همچون جرم‌شناسی پیشگیری جرم‌شناسی بالینی و جرم‌شناسی حقوقی) توجه دارد.

در این مقاله «ارزیابی سیاست جنایی» در حوزه حفاظت از خاک مورد بررسی قرار خواهد گرفت. مواد قانونی مرتبط با خاک به صورت پراکنده در قوانین ذکر شده است، برای مثال قانون برنامه سوم توسعه مواد (۱۰۶، ۱۰۷ و ۱۰۹)؛ قانون افزایش بهره‌وری مواد (۱۱، ۱۲ و ۱۳)؛ قانون حفاظت و به‌سازی محیط زیست مواد (۶ و ۹)؛ قانون برنامه چهارم (فصل پنجم محیط زیست)؛ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب اصلاحی ۱۳۷۶/۵/۸ ماده (۶۸۸)؛ قانون اراضی مستحدث و ساحلی ماده (۱۱)؛ قانون برنامه پنجم توسعه مواد (۷۹، ۱۰۴، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۸ و ۱۹۲) می‌توان نام برد. با این حال نبود قانون، آیین‌نامه و ضابطه‌های جامع جهت حفاظت و جلوگیری

از آلودگی خاک لزوم تهیه قانون جامعی را در این خصوص می‌طلبید. امری که در برنامه سوم توسعه به وزارتخانه جهاد کشاورزی محول شد ولی بدون آنکه فعالیت جدی برای تهیه و نهایی کردن آن صورت گیرد همواره از یک برنامه به برنامه بعدی تنفیذ می‌شد تا اینکه نهایتاً در سال ۱۳۹۸ قانون حفاظت از خاک مورد تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان قرار گرفت. به‌منظور ارزیابی مبتنی بر معیار جامعیت و تناسب به‌روش تحلیلی-توصیفی درخصوص قانون حفاظت از خاک مصوب سال ۱۳۹۸ در سه مقوله ارزیابی از منظر جرم‌شناسی پیشگیری، همسازی سیاست جنایی و راهبردهای بازپروری پرداخته می‌شود.

۱. ارزیابی از منظر جرم‌شناسی پیشگیری

در دانش جرم‌شناختی، تاکنون اصولاً سه شکل از پیشگیری، یعنی اجتماعی،^۱ وضعی^۲ و کیفری^۳ احصا شده است. این سه گونه، با وجود اینکه هدفی واحد، یعنی ممانعت از وقوع جرم را دنبال می‌کنند، شکل اجرای آنها متفاوت است. بدین صورت که برخی از آنها متوجه بزه‌کاران و بزه‌دیدگان بالقوه و برخی نیز بر محیط پیرامونی خاص متمرکز هستند. بر همین مبنا، پیشگیری را به کیفری و غیرکیفری تقسیم کرده‌اند که غیرکیفری، شامل پیشگیری اجتماعی و وضعی است و کیفری شامل پیشگیری از طریق وضع مجازات برای بزه‌کاران بالقوه و محکومان دارای سابقه کیفری برای پرهیز از تکرار جرم است.

جلوه‌های تدابیر پیشگیری اجتماعی به چند صورت ظاهر می‌شود: از یک‌سو با مداخلاتی مواجه است که محل اجرای آن محله و شهر محل زندگی است. در این

1. Social Prevention

2. Situational Prevention

3. Criminal Prevention

خصوص از پیشگیری اجتماعی کلاسیک یا پیشگیری اجتماع‌مدار صحبت می‌شود. از سوی دیگر برنامه‌هایی می‌توان یافت که گروه هدف آن فرد و خانواده او هستند که در اینجا در زبان جرم‌شناسی، از پیشگیری رشد‌مدار صحبت به میان می‌آید؛ یعنی مداخله در مورد عواملی که چنانچه مورد غفلت قرار گیرد، فرد دچار بزهکاری زودرس می‌شود.

جرم‌شناسان، انسان را محصول تعامل خصوصیات ذاتی و اجتماعی فرد می‌دانند. بنابراین بزهکار، محصول علل فردی (بیماری‌های ژنتیکی، روانی، جسمانی و ...) و علل اجتماعی (طلاق، فقر، بیماری و ...) است. از این رو کافی است برای مبارزه با چنین عللی و رفع آنها، از ارتکاب جرم به عنوان معلول، پیشگیری کرد. در اجرای چنین رویکردی است که راهبرد پیشگیری اجتماعی، مشروعیت علمی-کاربردی خود را پیدا می‌کند. این گونه پیشگیری «آموزش و پرورش» محور است. برپایه این دیدگاه، بزهکار در مجرمیت خود سهم زیادی ندارد و بیشتر قربانی محیط‌های شخصی مانند خانواده، مدرسه، دوستان، رسانه‌ها، اقتصاد و ... و محیط‌های اجتماعی عمومی مانند سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. بدین ترتیب پیشگیری اجتماعی به فرایند تربیت و رشد انسان تکیه می‌کند و راهبردهایی نیز برای پیشگیری از جرم ترسیم می‌کند.

رسانه‌ها از طریق نمایش رفتار درست می‌توانند اجتماع را حفظ کنند؛ این اقدام به چند دلیل عملی است: ۱. داشتن دانش و اطلاعات لازم در زمینه جرم و راه‌های پیشگیری از آن؛ ۲. نقش و جایگاه تأثیرگذاری رسانه در جامعه؛ ۳. خواست مسئولان دستگاه نظارتی، کنترلی و مقابله‌ای از طریق رسانه در امر پیشگیری. با این حال پیشگیری از جرم اغلب مستلزم پیش‌بینی وقایع است. شاید رفتارهای گذشته بهترین وسیله برای پیش‌بینی رفتارهای آینده باشد، البته پیش‌بینی بی‌نقص و تمام‌عیاری نخواهد

بود (کلارک و اک، ۱۳۸۸: ۲۱۳). رسانه‌ها توانایی حساس‌سازی عموم جامعه نسبت به موضوع پیشگیری از جرم را در اجتماعات محلی و ملی دارند؛ از این رو معرفی و شناسایی مزایا و نتایج اجرای طرح‌های موفقیت‌آمیز و تصریح در چگونگی کاهش جرائم یا حل و فصل اختلاف‌ها از جمله اقدام‌هایی است که باید از طریق رسانه‌ها انجام پذیرد (ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۲۳۱). بر این اساس رسانه‌ها با افزایش نقش آموزش و اطلاع‌رسانی می‌تواند سهم بسزایی در این زمینه داشته باشد. از راهکارهای مقابله با جرم‌زایی رسانه‌های گروهی می‌توان به مقابله با تحریک‌کنندگی و جرم‌خیزی احتمالی، بازبینی محتوای برنامه‌ها و مطالب رسانه‌های حقوقی، تصویری و نوشتاری، اجتناب از قهرمان‌سازی از مجرمان، ناامن جلوه دادن جامعه، جوسازی و بزرگ‌نمایی حوادث و بی‌اعتنایی به آسیب‌شناسی و ریشه‌یابی مسائل اشاره کرد (مسکنی، ۱۳۸۴: ۲۲). با توجه به مطالب پیش‌گفته در قانون حفاظت از خاک مصوب سال ۱۳۹۸ در خصوص این نوع پیشگیری تنها در ماده (۲۴)، سازمان صدا و سیما را به صورت غیرمستقیم مکلف کرده است که برنامه‌های تولید شده سازمان محیط زیست و وزارت جهاد کشاورزی را برای آگاهی و مقابله با آلودگی و تخریب خاک منتشر و پخش کند. در حالی که:

اولاً صدا و سیما خود می‌توانست مستقیم مورد خطاب قانونگذار برای تولید برنامه‌های آموزشی برای اهداف مدنظر (آگاهی و مقابله با آلودگی و تخریب خاک) قرار گیرد. ثانیاً در خصوص این نحو از پیشگیری، به بخش کوچکی از پیشگیری اجتماعی به نحو ناقص پرداخته است؛ چراکه استفاده از رسانه تنها در بخش دولتی متمرکز نیست و رسانه، تنها تصویر و صدا نیست بلکه سایر رسانه‌ها و حتی بستر فضای مجازی نیز می‌تواند در این خصوص بسیار کمک‌کننده باشد. رسانه‌ها را می‌توان به:

۱. رسانه‌های چاپی^۱ مانند: روزنامه، مجله، کتاب و ...؛ ۲. رسانه‌های الکترونیک^۲ مانند: رادیو و تلویزیون، کامپیوتر، ماهواره، یا نسخه PDF روزنامه روی وب،^۳ ۳. رسانه‌های دیجیتال^۴ مانند: نسخه‌های صفر و یک رسانه الکترونیک HTML،^۵ ۴. رسانه‌های فضای سایبری^۶ مانند سایت‌های اینترنتی، خبرگزاری‌های آنلاین، وبلاگ‌ها، شبکه‌های اجتماعی.

ثالثاً محصور کردن تولید برنامه‌ها صرفاً به آگاهی‌بخشی و مقابله با آلودگی و تخریب خاک محل تأمل است. چراکه اهداف دیگری چون آموزش صحیح محافظت و نگهداری و استفاده از خاک می‌توانست دامنه وسیع‌تری برای فعالیت و اهداف پیشگیری باشد. همچنین حصر مقابله با آلودگی و تخریب نیز جای تجدید نظر دارد. در این اهداف می‌توانست ماده (۲۱) قانون حفاظت از خاک^۷ مصوب ۱۳۹۸ یعنی انتقال غیرقانونی خاک و همچنین موضوع فرسایش خاک در ماده گنجانده شود و اهداف پیشگیری آموزش‌محور را در خصوص خاک وسیع‌تر، محل بررسی قرار داد.

1. Print Media

2. Electronic Media

۳. تفاوتی که این نوع رسانه‌ها با رسانه‌های چاپی دارد، جنس ارائه آنهاست؛ یعنی اگر محتوای نشریه‌ای عیناً از رادیو پخش شود؛ نشریه یا رسانه الکترونیک است.

4. Digital Media

۵. رسانه‌های دیجیتال به رسانه‌هایی گفته می‌شود که تبادل یا انتشار محتوا در آنها، تنها به کمک ابزارهای مجهز به پردازشگر دیجیتال میسر باشد. شامل رسانه‌های مبتنی بر شبکه (نظیر شبکه جهانی اینترنت)، سرویس‌های مخابراتی از قبیل پیامک و سایر اشکال شبکه‌های تبادل داده مانند بلوتوث و همچنین رسانه‌های مبتنی بر حامل‌های فیزیکی دیجیتال از قبیل بسته‌های نرم‌افزاری رسانه‌ای، بازی‌های رایانه‌ای و مانند آنها).

6. Cyber Media

۷. انتقال خاک به خارج از کشور ممنوع است. مرتکب به یک یا دو مورد از مجازات‌های تعزیری درجه پنج قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود. تشخیص ماده معدنی برعهده وزارت صنعت، معدن و تجارت است و برای خروج خاک معدنی از کشور اخذ مجوز توسط وزارت مذکور با رعایت ماده (۴۳) قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران الزامی است.

رابعاً، عملاً بخش خصوصی یا به عبارت صحیح‌تر جامعه مدنی می‌تواند نقش فعالی در خصوص آگاهی‌بخشی و بازدارندگی را از طریق رسانه ایفا کند. موضوعی که در قانون حفاظت خاک مورد غفلت قرار گرفته است و اضافه کردن این بخش به حوزه آموزش و آگاهی‌بخشی می‌تواند علاوه بر تنوع در تولید برنامه‌ها به لحاظ کمی، کیفیت آموزش و آگاهی‌بخش نیز تحت تأثیر قرار دهد.

خامساً، در بحث آموزش و آگاهی‌بخشی علاوه بر مردم، باید قضات و سایر افراد مخاطب قانون نیز تحت آموزش و آگاهی‌بخشی به منظور اجرای صحیح و تحقق هرچه بیشتر اهداف مقنن قرار گیرند چراکه غفلت از این موضوع موجب متروک شدن قانون خواهد شد.

نکته دیگر در پیشگیری اجتماعی، استفاده از ظرفیت نهادهای جامعه مدنی مثل مساجد، دانشگاه‌ها و سایر مراکز تجمعی فرهنگی و علمی است. یکی از اساسی‌ترین پایه‌های پاسخگویی، واکنش‌هایی است که بدنه اجتماعی تحت نظر دولت در مقابله با جرم ابراز می‌کند که ذیل مبحث سیاست جنایی مشارکتی^۱ قرار می‌گیرد. امروزه با رشد فزاینده و روزافزون ناهنجاری‌های اجتماعی و جرائم، ناکارآمدی روش‌های سنتی مبارزه با جرم، به عنوان یکی از موضوع‌های مهم و قابل توجه در قلمرو سیاست جنایی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. اهمیت مشارکت شهروندان در سیاست جنایی بدان لحاظ است که قوانین و تدابیری که دولت برای سرکوبی یا پیشگیری از جرم اتخاذ می‌کند در صورت نداشتن پایگاه مردمی، در معرض خطر عدم اجرا و استقرار قرار می‌گیرد. این سیاست‌ها می‌تواند:

۱. در مرحله پیشگیری باشد یعنی درواقع کنشی صورت گیرد؛ مبنای اصلی مشارکت در پیشگیری از جرم اتخاذ مؤثرترین روش مقابله با جرم و ارتقای کیفیت زندگی در

جامعه با دخالت خود شهروندان است. این شیوه با مشارکت مردم به دنبال افزایش آگاهی آنان نسبت به ناتوانایی پلیس و نظام قضایی در کاهش جرم و حفظ نظم اجتماعی است. جلوه‌های مهم این پیشگیری استفاده از سازمان‌های مردم‌نهاد که در مورد محیط زیست و به صورت خاص در حوزه خاک مشغول فعالیت هستند، یا نهادهای شرعی مثل امر به معروف و نهی از منکر یا به کارگیری ظرفیت‌های آموزش و پرورش، مساجد و غیره که می‌توانست در قانون قابلیت تبلور داشته باشد.

۲. در مرحله پس از وقوع جرم باشد که یک امر واکنشی است. رهیافت پیشگیری واکنشی، ارباب‌انگیزی فردی، جمعی و عبرت‌آمیزی است. مرحله واکنشی خود به دو^۱ قسمت پیشگیری مشارکتی قبل از جرم و پس از جرم (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۲۰۸) تقسیم می‌شود. در این قسمت می‌توان مباحثی چون عدالت ترمیمی را مورد کنکاش قرار داد. مبحثی که در قانون حفاظت از خاک مصوب ۱۳۹۸ از آن غفلت شده است. یکی از مهم‌ترین راه‌حل‌های جایگزین عدالت رسمی درواقع عدالت ترمیمی است. در ساده‌ترین تعریف از عدالت ترمیمی می‌توان بیان کرد فرایندی است که تمامی اشخاصی که در رخداد مجرمانه دخالت داشته‌اند، گردهم آیند و با مشارکت یکدیگر در مورد آثار و نتایج عمل مجرمانه و آینده بزه‌دیده و بزه‌کار و سرانجام جامعه پس از وقوع جرم چاره‌اندیشی کنند (مارشال، ۱۳۸۴: ۲۹). در عدالت ترمیمی درهای شبکه کیفری روی جامعه مدنی و صاحبان واقعی دعوا گشوده می‌شود و راه را بر مشارکت آنان هموار می‌سازد. جلوه‌های مهم عدالت ترمیمی که می‌توانست در قانون حفاظت از خاک مورد اشاره قرار گیرد «میانجیگری کیفری» و «هیئت‌های جبران خسارت» بود. با در نظر گرفتن این موضوع که نظام کیفری دولتی در رسیدگی به دعاوی کیفری با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو است از این رو تغییر نگرش و توجه به آینده نظام

۱. برخی این پیشگیری را به عام و خاص تقسیم می‌کنند.

عدالت، به سمت عدالت ترمیمی و استفاده از شهروندان در جهت تحقق عدالت و کیفیت زندگی بهتر گریزناپذیر است.

اما در خصوص پیشگیری وضعی، یعنی تغییر اوضاع و احوال و شرایط خاص به منظور دشوار کردن، پرخطر کردن یا جاذبه زدایی ارتکاب جرم. این نوع از پیشگیری، از لحاظ مبانی و شیوه‌ها، کاملاً با دیگر گونه‌های پیشگیری متفاوت است. در پیشگیری وضعی، پیش‌بینی نقش محوری دارد (پاک‌نهاد، ۱۳۹۴: ۲۴۱). هدف رویکرد پیشگیری وضعی مبتنی بر افق کوتاه‌مدت، کارا، فایده‌مند و سریع استوار است. روش‌های پیشگیری وضعی نیز متعدد است (ابراهیمی، ۱۴۰۱: ۹۰). این تکنیک‌ها در ابتدا مورد استقبال بازار امنیت خصوصی و شرکت‌های بیمه قرار گرفت و پس از آن مقامات دولتی از آن استقبال کردند. بر این اساس اکنون کمتر مکان خصوصی آزاد برای ورود عموم پیدا می‌شود که از مراقبت و نظارت انسانی یا مراقبت از طریق فناوری بهره نبرد هرچند همگان بر کارایی و اثربخشی آن متفق‌القول نیستند. البته آثار فناوری‌های مربوط به پیشگیری محدود است زیرا این فناوری برای پیشگیری از جرائم علیه اموال در اماکن بسته و نسبت به بزهکاران اتفاقی مؤثر است. دو نکته مهم در خصوص پیشگیری وضعی وجود دارد و آن این است که اولاً ابزارمحور است و ثانیاً بیشترین کارایی آن به جرائم مجرمینی مربوط است که اتفاقی مرتکب جرم شده‌اند.

در قانون حفاظت از خاک مصوب ۱۳۹۸ در موارد متعدد از تکنیک‌های پیشگیری وضعی استفاده شده است. به‌طور مثال یکی از تکنیک‌های پیشگیری وضعی از جرم «افزایش مشکلات ارتکاب جرم» است. درواقع روش افزایش مشکلات ارتکاب جرم تدابیری است که با دشوار و پرخطر کردن یا جاذبه زدایی، تصمیم بزهکار بالقوه به گذر از اندیشه به فعل را تحت تأثیر قرار می‌دهد. انواع تدابیر دشوارکننده عبارتند از:

۱. حمایت‌های فیزیکی مانند ایجاد دیوار یا قفل از تعرض سارقان، ۲. کنترل ورودی

و خروجی مثل نصب دوربین، ۳. کنترل تسهیل کننده‌های جرم مثل کنترل اسلحه‌ها، ۴. تغییر مسیر با این توضیح که از ارتباط بین بزهکار بالقوه با بزه‌دیدگان و آماج‌ها جلوگیری شود مثل جداسازی مخالف و معارض از یکدیگر یا محدود کردن عبور و مرور وسائل نقلیه. به عبارت دیگر با ایجاد خطر بیشتر در وضعیت پیش‌جنایی به ارباب بزهکاران بالقوه پرداخته می‌شود. این مراقبت می‌تواند گاه با افراد، گاه با توسل به فناوری‌های نوین و بعضاً به صورت ترکیب هر دو، انجام شود.

در ماده (۱۰)، قانونگذار با توجه کردن به مدیریت و نظارت بر ورود، تولید، بسته‌بندی، توزیع، فروش، مصرف و ثبت و پایش کیفیت اشعار می‌دارد: «مسئولیت مدیریت و نظارت بر ورود، تولید، بسته‌بندی، توزیع، فروش، مصرف و ثبت و پایش کیفیت انواع کودها، به سازهای خاک و بهبوددهنده‌های رشد شیمیایی - آلی و زیستی برعهده وزارت می‌باشد.» و دو تبصره آن و نیز ماده (۱۸) بیان می‌دارد: «به منظور کاهش آلاینده‌گی، تمامی واحدهای بزرگ تولیدی، صنعتی، عمرانی، خدماتی، زیربنایی و معدنی موظفند نسبت به پایش آلودگی خاک اقدام و نتیجه را در چارچوب خوداظهاری پایش محیط زیست به سازمان ارائه کنند. نام واحد مستنکف، توسط سازمان در فهرست واحدهای آلاینده موضوع قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۷ قرار می‌گیرد». قانونگذار تمامی اشخاص حقوقی و حقیقی را مکلف کرده است در انجام پایش آلودگی خاک در چارچوب خوداظهاری به سازمان محیط زیست اقدام کنند. نکته مهم در این ماده این است که قانونگذار برای این موضوع ضمانت اجرا در نظر گرفته است نکته‌ای که لحاظ آن در سایر مواد قانونی می‌توانست به تحقق اهداف قانونگذار در پیشگیری کمک فراوانی کند.

تکنیک دیگری که می‌توان در این خصوص مثال زد «افزایش خطر ارتکاب جرم» است (همان: ۸۶). بدین منظور باید مراقبت و بررسی از آماج جرم را در دستور کار

قرار داد. مراقبت و بررسی به دنبال ارائه این پیام به بزهکار بالقوه است که در صورت گذر از اندیشه به عمل، مشاهده، کنترل و دستگیر خواهد شد. پیشگیری در این مفهوم به معنای «انجام اقدام‌ها با اتخاذ تدابیر مبتنی بر پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی علمی خطر یا امکان وقوع جرم (بزه‌دیدگی) با مشارکت دولت و هیئت اجتماع برای جلوگیری از وقوع یا کاهش یا به تعویق انداختن یا حتی تعدیل آثار، تغییر آماج، زمان، مکان یا شیوه ارتکاب آن است» (صفاری، ۱۳۸۸: ۸-۳). به طور مثال در ماده (۵) بیان شده است: «دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۰۷/۰۸ مکلفند مطابق مقررات مالی دولت، در مبادله موافقتنامه‌ها اعتبارات لازم جهت پیشگیری یا جبران خسارت ناشی از آلودگی و یا تخریب خاک را پیش‌بینی کنند». نگاه قانونگذار در این ماده پیش‌بینی خطر احتمالی و کاهش خسارات وارد از طریق اعمال اعتبارات است.

تکنیک دیگر پیشگیری وضعی «تدابیر جاذبه‌زدا» است. تدابیری که ناظر به کاهش یا حذف منافع مورد انتظار مجرمان است (ابراهیمی، ۱۴۰۱: ۱۲۵) از گونه‌های جاذبه‌زدایی استفاده از برچسب‌گذاری یا استانداردسازی است. قانونگذار در بند «الف» ماده (۹) با اشاره به این تکنیک بیان می‌دارد: «سازمان ملی استاندارد مکلف است با همکاری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان حفاظت محیط زیست و وزارت (جهاد کشاورزی) نسبت به تدوین استاندارد انواع کود، آفت‌کش‌ها، سم و بهبوددهنده‌های رشد گیاه اقدام کند». همچنین می‌توان از فناوری‌های نوین استفاده کرد. به طور مثال در خصوص حفاظت از خاک می‌توان از ایزوتوپ‌های پایدار^۱ نام برد. ایزوتوپ‌های پایدار کربن‌های ثابت خاک است که به شرایط اقلیمی هر منطقه وابسته بوده و هر خاک ایزوتوپ پایدار مخصوص خود را داراست و با تغییرات محیط

یا حتی حرارت، قابل تغییر نیست و مانند یک اثر انگشت عمل می‌کند. ایزوتوپ‌ها می‌تواند خود به‌عنوان برچسب طبیعی عمل کرده و در هر مکانی معرف خاک محل اخذ شده باشد. قانونگذار می‌توانست با تخصیص اعتبارات به دستگاه‌های مربوطه نسبت به ایجاد مانع برای اجرایی شدن این شیوه‌های نوین در حفاظت از خاک کمک شایانی کند.

اما درخصوص پیشگیری کیفری باید به بررسی مجازات مندرج در قانون حفاظت از خاک مصوب ۱۳۹۸ پرداخت که آیا این میزان از مجازات در مقابل بزه‌کاران و محکومان قابلیت بازدارندگی دارد یا خیر؟ به عبارت دیگر در این پیشگیری تناسب بین جرم و مجازات رعایت شده است یا خیر؟

با نگاه پزشکی به حوزه پیشگیری در یک تقسیم‌بندی، پیشگیری به «اولیه»^۱ ثانویه^۲ و ثالث^۳ تفکیک شده است. به ترتیب پیشگیری نخستین یعنی «مصون کردن افراد از رهگذر مبارزه با همه زمینه‌های ارتکاب جرم که در چارچوب توسعه اجتماعی قرار می‌گیرند» و دومین پیشگیری یعنی به کارگیری شیوه‌هایی برای حمایت از افراد در آستانه خطر (رایجیان اصل، ۱۳۸۳: ۱۵۰-۱۴۹) اما درخصوص پیشگیری ثالث تلاش‌های پیشگیرانه در این مرحله برای جلوگیری از رفتارهای مجرمانه است تا مجرمان اصلاح و با محیط اجتماعی خود سازگار شوند و به ارتکاب مجدد جرم گرایش پیدا نکنند. با نگاهی به مواد (۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۹ و ۲۱) قانون حفاظت از خاک مصوب ۱۳۹۸ مجازات مقرر عبارتند از: جزای نقدی درجه ۸ و مجازات تعزیری درجه ۵ و مجازات نقدی دو تا پنج برابر خسارات وارده و مجازات‌های تکمیلی مانند توقف عملیات و جبران خسارت. با مراجعه به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ میزان

-
1. Primary Prevention
 2. Secondary Prevention
 3. Thertiary Prevention

دقیق هر کدام از مجازات‌ها باید مشخص شود تا با اهداف پیشگیری کیفری که همان عدم تکرار جرم است، نشان دهد مطابقت دارد یا خیر؟

برای تبیین موضوع مثالی بیان می‌شود. عدم ارائه گزارش آلودگی یا ارائه گزارش خلاف واقع، موضوع ماده (۱۴) قانون حفاظت از خاک مصوب ۱۳۹۸، مستوجب مجازات درجه ۸ طبق ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است، در این ماده بیان شده است: «در صورت بروز آلودگی خاک، آلوده‌کننده مکلف است مراتب را بلافاصله به نزدیک‌ترین اداره حفاظت محیط زیست اطلاع دهد و با هماهنگی و تأیید اداره مذکور، آلودگی خاک را تا رسیدن به حدود مجاز برطرف کند. مستنکف از ارائه گزارش آلودگی موضوع این ماده یا ارائه‌کننده گزارش خلاف واقع، با حکم مراجع قضایی به جزای نقدی درجه ۸ موضوع ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود». در همین راستا، با مراجعه به متن قانون حفاظت از خاک مصوب ماده (۱) بند «ج»، آلوده‌کننده را تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی می‌داند، با فرض موارد مذکور، به‌طور مثال شرکت عظیم فولاد مبارکه اصفهان نسبت به موارد خواسته شده در ماده (۱۴) قانون اخیرالذکر اقدام نکرده که به چنین مجازات نازلی محکوم خواهد شد. نکته دیگری که در خصوص ماده (۱۴) وجود دارد این است که با توجه به مجازات آن، مطابق بند «ح» از ماده (۹) قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴ رسیدگی به این موارد در صلاحیت شورای حل اختلاف خواهد بود؛ یعنی درواقع این ماده هیچ بازدارندگی یا مانعی برای پیشگیری از جرم ایجاد نخواهد کرد. ضمناً با توجه به این ماده، دادستان به‌عنوان مدعی‌العموم حق ورود مستقیم ندارد چراکه از صلاحیت دادسرا خارج است.

در خصوص مجازات‌های مواد (۱۵، ۱۶ و ۱۹) قانون حفاظت از خاک مصوب ۱۳۹۸ که مجازات‌های دو تا پنج برابر خسارت وارده برای مرتکبان در نظر گرفته‌اند. نکته

اول اینکه مانند ماده (۱۴) مرتکبان در مواد (۱۵) و (۱۶) حسب بند «خ» ماده (۱) اشخاص حقوقی و حقیقی هستند. مثالی که در بالا ذکر شد در این موارد نیز صادق است. نکته دوم این است که براساس رأی وحدت رویه شماره ۷۵۹، ۱۳۹۶/۴/۲۰ هیئت عمومی دیوان عالی کشور، «مجازات جرائمی که طبق قانون جزای نقدی نسبی است، در صلاحیت دادگاه کیفری دو می‌باشد»، دادستان و نهاد تعقیب یعنی دادسرا مجدداً از دایره پیگیری خارج شده‌اند. اهمیت وجود دادسرا از آن جهت است که قانون حفاظت از خاک درواقع دارای جرائمی است که بزه‌دیده خاص در آن مدنظر نیست، که در آموزه‌های جرم‌شناسی به جرائم بدون بزه‌دیده مشهور است. این جرائم چون بزه‌دیده مشخصی ندارد، در غالب موارد پیگیری نمی‌شود.

درخصوص مجازات درجه ۵ که در ماده (۲۱) قانون حفاظت از خاک مصوب ۱۳۹۸ به آن پرداخته شده است، با مراجعه به ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ میزان مجازات آن به این شرح است که «حبس بیش از دو تا پنج سال، جزای نقدی بیش از هشتاد میلیون (۸۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا یکصد و هشتاد میلیون (۱۸۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال، محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از پنج تا پانزده سال، ممنوعیت دائم از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص، ممنوعیت دائم از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی». این مجازات برای اشخاصی که مرتکب می‌شوند به‌نظر می‌رسد مناسب باشد چراکه اشخاص مرتکب اعم از حقیقی و حقوقی هستند لذا مجازات در نظر گرفته شده نیز باید مطابق با انواع بزه‌کاران و انگیزه‌های آنان سازمان‌دهی شود.

درخصوص مجازات تکمیلی اعاده وضع به حالت سابق، توقف عملیات و جبران خسارات که در مواد (۱۵) و (۱۶) قانون حفاظت از خاک مصوب ۱۳۹۸ آورده شده است انتظار می‌رود قانونگذار در این جرائم از مجازات بیشتری استفاده کند چراکه

این مجازات بیشتر نگرش اصلاحی و تربیتی دارد و با توجه به زرادخانه قانون مجازات اسلامی، می‌توان استفاده بیشتری از این مجموعه مجازات‌ها کرد و در صورتی که قانونگذار نمی‌خواست از قانون مجازات اسلامی استفاده کند می‌توانست با خلاقیت در خصوص مجازات‌های تکمیلی، مجازات‌های اصلاحی و درمانی جدیدی ایجاد کند.

۲. ارزیابی از منظر همسازی سیاست جنایی

امروزه انسجام درونی منابع تقنینی سیاست جنایی یعنی همساز بودن و یکپارچگی جهت‌گیری و گفتمان سیاست جنایی قانونگذار، از یک سو به هماهنگ بودن درونی حقوق کیفری، حقوق اداری، حقوق انضباطی و ...، در حوزه‌های بزه‌انگاری، پاسخ‌گذاری و آیین رسیدگی به جرائم و تخلفات و از سوی دیگر به هماهنگی بین این رشته‌ها بستگی دارد (نجفی ابرندآبادی، ۱۴۰۰: ۶۶). در مورد انسجام برون‌ی منابع تقنینی سیاست جنایی، از یک سو عدم تعارض حقوق کیفری، حقوق اداری، حقوق مدنی و ... با یکدیگر و از سوی دیگر، همساز و هماهنگ بودن آنها با انتظارات و مطالبات جامعه مدنی، افکار عمومی، واقعیت‌های اجتماعی، دستاوردهای مطالعات علمی، جامعه‌شناختی به‌طور کلی و جامعه‌شناختی حقوقی می‌شود (همان: ۶۷).

یکی از ابعاد مهم در ارزیابی سیاست جنایی توجه به تدابیر اتخاذی در خصوص تناسب جرم و مجازات و نسبت مواد قانونی با سایر قوانین و همچنین به‌کارگیری انواع مجازات‌ها و میزان آنهاست. از این منظر باید قوانین جامعیت لازم را داشته باشد که نه تنها مکمل یکدیگر بلکه هیچ‌گونه تعارضی با هم نداشته باشد؛ چراکه در صورت تعارض موجب توقف اجرای هر دو ماده شده و ضمن خدشه به عملکرد دستگاه عدالت و تفاسیر متعدد و گاه متضاد، بدون تردید موجب سوءاستفاده مرتکبان می‌شود. در خصوص تخریب خاک، ماده (۱۶) قانون حفاظت از خاک مصوب ۱۳۹۸

بیان داشته است: «تخریب‌کنندگان خاک مکلفند بلافاصله پس از دریافت اخطار وزارت، فعالیت منجر به تخریب را متوقف و ظرف مهلت معینی که از طرف وزارت اعلام می‌شود خاک را بازسازی و جبران خسارت نمایند. مستنکف علاوه بر توقف فعالیت، بازسازی خاک و جبران خسارت با حکم مراجع قضایی به جزای نقدی دو تا پنج برابر خسارت وارده محکوم می‌شود». منظور از تخریب‌کنندگان خاک در این ماده حسب بند «خ» اشخاص حقوقی و حقیقی است و منظور از تخریب خاک حسب بند «ح» است: «کاهش توان تولید زیستی یا اقتصادی خاک یا ترکیبی از هر دو که ناشی از فعالیت‌های انسانی و شیوه‌های مختلف بهره‌برداری از خاک می‌باشد و به تفکیک کاربری‌های مختلف تعیین می‌شود».

با توجه به ماده (۶۷۷) قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ بیان می‌دارد: «هر کس عمداً اشیای منقول یا غیرمنقول متعلق به دیگری را تخریب نماید یا به هر نحو کلاً یا بعضاً تلف نماید و یا از کار اندازد به حبس از سه ماه تا یک سال و شش ماه [و] در صورتی که میزان خسارت وارده یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا کمتر باشد به جزای نقدی تا دو برابر معادل خسارت وارده محکوم خواهد شد» و در نظر گرفتن ماده (۱۶) قانون حفاظت از خاک مصوب ۱۳۹۸ تخصیص اتفاق افتاده؛ چراکه این قانون خاص است و بعد از قانون عام (قانون مجازات اسلامی) آمده است. وانگهی مقنن، مجازات تخریب خاک را به صورت خاص مورد جرم‌انگاری قرار داده و از شمول عمومات ماده (۶۷۷) خارج کرده است. این سیاست کیفری در راستای جایگاه ویژه خاک اتخاذ شده است زیرا در بسیاری از موارد بعد از تخریب خاک قابلیت اعاده به وضع سابق یا جبران خسارت به نحو احسن وجود ندارد در حالی که خاک مورد تخریب قرار گیرد و از بین برود قابل اعاده نیست و خاک کاملاً از بین می‌رود و به تبع جبران خسارت مالی، جبران‌کننده مناسبی برای این خسارت نیست. افزون‌براین،

حسب بند «چ» کاربری خاک دربرگیرنده هر «نوع استفاده از خاک به عنوان بستری مناسب برای فعالیت‌های کشاورزی، منابع طبیعی، صنعتی، معدنی، خدماتی و امور زیربنایی» است. از این رو باید ماده (۱۶) را مختص ماده (۶۷۷) دانست. نکته مهم بند «چ» این است که به صورت کلی رویه قضایی در خصوص تخریب زمین‌های کشاورزی و منابع طبیعی ماده (۶۷۷) را مستند به آرا قرار می‌دهد که باید این رویه قضایی اصلاح شود. در نهایت باید توجه داشت که ماده (۱۶) قانون حفاظت از خاک مصوب ۱۳۹۸ ظرفیت‌های بازدارندگی لازم را دارد چرا که مجازات نسبی قرار داده شده در آن با خسارات احتمالی قابل افزایش است و نکته مهم‌تر کاهش سالیانه ارزش ریالی پول در ایران است که لازم نیست دولت هر سال نسبت به افزایش مقدار جزای نقدی اظهار نظر کند.

در خصوص ماده (۱۵) قانون حفاظت از خاک مصوب ۱۳۹۸ که اشعار می‌دارد: «سازمان مکلف است نسبت به شناسایی واحدهای آلاینده خاک اقدام نموده و به آلوده‌کننده اخطار دهد که ظرف مهلت معینی متناسب با نوع ماده آلاینده نسبت به حذف و رفع منشأ آلودگی، بازسازی خاک و جبران خسارت وارده اقدام کند. در صورتی که اشخاص ذی‌نفع نسبت به اخطار یا دستور سازمان معترض باشند، می‌توانند برای یکبار از سازمان درخواست تمدید مهلت مذکور را نمایند. مستنکف علاوه بر توقف فعالیت، رفع آلودگی و جبران خسارت زیست‌محیطی به جزای نقدی دو تا پنج برابر خسارت وارده و در صورت تکرار علاوه بر موارد یادشده به حداکثر جزای نقدی با حکم مراجع قضایی محکوم می‌شود». بند «ث» ماده (۱) قانون حفاظت از خاک مصوب ۱۳۹۸ در تعریف مواد آلاینده بیان می‌دارد: «هر نوع ماده یا عامل فیزیکی، شیمیایی و زیستی (بیولوژیکی) که باعث آلودگی خاک گردیده و یا به آلودگی آن بیفزاید». همچنین بند «ت» از ماده (۱) همین قانون در تعریف آلودگی خاک آمده است: «آمیختن یک یا

چند ماده خارجی به خاک یا پخش آنها بر سطح خاک به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا زیستی آن را به نحوی تغییر دهد که برای انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان و یا آثار و ابنیه زیان آور باشد. این تعریف، آلودگی پوشش‌های آبرفتی و سنگی سطح زمین را نیز دربرمی‌گیرد».

نکته‌ای که وجود دارد غفلت از مواد پرتوزا است. قانون حفاظت از محیط زیست کشور ایتالیا در ماده (۴۵۲) از جمله مواد آلاینده خاک را مواد پرتوزا و رادیواکتیو می‌داند.^۱ همچنین کشور تایوان در قانون حفاظت از خاک خود در سال ۲۰۱۰، ورود انرژی به خاک را در بند «۴» از ماده (۲) از جمله مواد آلاینده خاک می‌داند.^۲ بنابراین توسعه مواد آلاینده می‌تواند راه فرار را برای بزه‌کاران ببندد. ضمناً موادی چون مواد پرتوزا اعم از اینکه به صورت عادی در طبیعت رها شود یا به عنوان پسماند در خاک دفن شود می‌تواند علاوه بر خطرات زیست‌محیطی فراوان، محیط زندگی و سلامت انسان را به شدت تهدید کند.

همچنین به نظر می‌رسد تبصره ماده (۱۵) قانون حفاظت از خاک مصوب ۱۳۹۸ با سیاست‌های کلی قضایی دارای تعارضاتی است. در تبصره مذکور، اختیار توقف فعالیت واحد تولیدی به سازمان حفاظت محیط زیست اعطا شده و مرجع تعیین‌کننده میزان

۱. ماده (۴۵۲) قانون حفاظت از خاک کشور ایتالیا: قاچاق و رها کردن مواد با رادیواکتیو بالا جز در مواردی که جرم دارای مجازات شدیدتر باشد، به حبس از دو تا شش سال و جزای نقدی از ۱۰۰۰۰ یورو تا ۵۰۰۰۰ یورو مجازات می‌شود (ضمناً هرکسی که به‌طور غیرقانونی به فروش، خرید، دریافت، حمل‌ونقل، واردات، صادرات، نگهداری، انتقال، رها کردن یا دفع غیرقانونی مواد پرتوزا می‌پردازد، به مجازات‌های مذکور محکوم می‌شود).

در صورتی که خطری موقت یا دائمی موارد ذیل را تهدید نماید، مرتکب به حداکثر مجازات فوق محکوم می‌گردد:

۱. آب یا هوا یا بخش وسیع یا قابل توجهی از خاک یا زیر خاک،

۲. یک اکوسیستم، تنوع زیستی، از جمله کشاورزی، گیاهان و جانوران.

همچنین در صورتی که این عمل موجب خطر جانی یا ایمنی افراد شود، مجازات تا نصف افزایش می‌یابد.

۲. بند «۴» از ماده قانون حفاظت از خاک تایوان: «آلودگی خاک» عبارت است از وارد کردن مواد، موجودات بیولوژیکی یا اشکال مختلف انرژی به خاک است که کیفیت خاک را تغییر دهد یا استفاده عادی از خاک را تحت تأثیر قرار دهد یا سلامت عمومی و محیط زندگی را به خطر اندازد.

خسارت وارده به محیط زیست مشخص نشده است. درحالی که بند «۵» سیاست‌های کلی قضایی بر «تمرکز دادن کلیه امور دارای ماهیت قضایی در قوه قضائیه با تعریف ماهیت قضایی و اصلاح قوانین و مقررات مربوط براساس آن و رسیدگی ماهوی قضایی به همه دادخواهی‌ها و تظلمات» و بند «۷» سیاست‌های کلی قضایی بر «یکسان‌سازی آیین دادرسی در نظام قضایی کشور با رعایت قانون اساسی» تأکید دارد، با تبصره ماده (۱۵) دارای مغایرت است.

نکته دیگر در تبصره ماده (۱۵)، استفاده از عبارت «وضعیت اضطراری» است که مفهومی مبهم و محل اختلاف است. درحالی که قانون باید به گونه‌ای نوشته شود که خالی از ابهام باشد. هرچند در بند «ع» ماده (۱) قانون حفاظت از خاک مصوب ۱۳۹۸ به تعریف مبهم از وضعیت اضطراری پرداخته است که خود جای سؤال است. طبق بند «ع» وضعیت اضطراری مواقعی است که آلودگی خاک، موجب آلودگی منابع آب (سطحی و زیرزمینی) شود، به گونه‌ای که سلامت انسان و محیط را دچار مخاطره جدی کند. سؤال این است که با توجه به تبصره «۱» ماده (۶۸۸)، چطور سازمان حفاظت از محیط زیست، آلودگی را صدمه به سلامت انسان تشخیص دهد درحالی که مطابق تبصره، این امر به عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است؟

طبق ماده (۱۵) قانون مذکور: «در صورتی که اشخاص ذی‌نفع نسبت به اخطار یا دستور سازمان معترض باشند، می‌توانند برای یک‌بار از سازمان درخواست تمدید مهلت مذکور را نمایند» و بدین ترتیب امکان اعتراض به «اصل اخطار و یا صحت تشخیص آلاینده‌گی» که به تشخیص سازمان حفاظت محیط زیست است، برای معترض (واحد تولیدی) وجود ندارد. درحالی که بند «۱» سیاست‌های کلی قضایی بر «اصلاح ساختار نظام قضایی کشور در جهت تضمین عدالت و تأمین حقوق فردی و

اجتماعی» تأکید دارد. بنابراین باید در متن یا تبصره این ماده به امکان اعاده حقوق و طرح دعوی واحدهای تولیدی نسبت به اصل حکم و صحت تشخیص سازمان محیط زیست با سازوکارهای تکمیلی اشاره شود.

ماده (۶۸۸) قانون مجازات اسلامی و تبصره‌های آن که موضوع دفع غیربهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زاید است این اقدام‌ها را موجب آسیب‌های جدی برای خاک و به‌خصوص در بخش کشاورزی می‌داند؛ چراکه این نوع جرائم به‌رغم آسیب به خاک، ممکن است در بخش کشاورزی و کشت محصولات کشاورزی بهداشت عمومی را شدیداً به مخاطره اندازد. امروزه به‌دلیل کمبود آب استفاده از فاضلاب‌ها برای پرورش گیاهان و سبزیجات هم محصولات را با آلودگی همراه می‌سازد و هم خاک مورد کشت بعد از مدتی، فاقد استفاده خواهد شد. بنابراین قانونگذار در این مورد به نسبت سخت‌گیری بیشتری کرده و در ذیل این ماده قانونی اشاره می‌شود چنانچه طبق قوانین خاص مجازات شدیدتری برای این نوع جرائم پیش‌بینی شده باشد باید همان مجازات اجرا شود.

ماده (۱۴) قانون حفاظت از خاک (مصوب ۱۳۹۸) درباره آلودگی خاک تصریح شده است. همچنین در تطبیق بند «ت» ماده (۱) قانون اخیرالذکر و تبصره «۲» ماده (۶۸۸) قانون تعزیرات مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ موارد مشابهی بیان شده است. با این توضیح که در بند «ت» ماده (۱) قانون حفاظت از خاک عبارت «این تعریف، آلودگی پوشش‌های آبرفتی و سنگی سطح زمین را نیز دربرمی‌گیرد» اضافه شده است که البته در راستای تکمیل ماده آمده است. با این حال با توجه به ماده (۱۰) قانون حفظ کاربری اراضی مصوب ۱۳۸۵ که اشعار می‌دارد: هرگونه تغییر کاربری در قالب ایجاد بنا، برداشتن یا افزایش شن و ماسه و سایر اقداماتی که بنا به تشخیص وزارت جهاد کشاورزی تغییر کاربری محسوب می‌گردد، چنانچه به‌طور غیرمجاز و بدون اخذ

مجوز از کمیسیون موضوع تبصره «۱» ماده (۱) این قانون صورت پذیرد، جرم بوده و مأموران جهاد کشاورزی محل مکلفند نسبت به توقف عملیات اقدام و مراتب را به اداره متبوع جهت انعکاس به مراجع قضایی اعلام نمایند. الحاقات اضافی بند «ت» را باید در راستای ماده فوق تفسیر کرد. در این ماده قانونی، قانونگذار هرگونه تغییر کاربری را که در قالب ایجاد بنا، برداشتن یا افزایش شن و ماسه به صورت غیرمجاز صورت می‌گیرد، مانند برداشت بی‌رویه شن و ماسه‌ها از بستر رودخانه‌ها و کوه‌ها که باعث فرسایش خاک و آسیب جدی به آنها می‌شود، کسب مجوز را لازم دانسته است و در غیر این صورت جرم محسوب می‌شود.

از این رو به نظر می‌رسد مقنن مسئله جلوگیری و توقف را با در نظر گرفتن احتمال اطاله دادرسی و جلوگیری از آسیب بیشتر به خاک مطرح کرده است، ولی بخش دیگری از این آسیب به مواردی مربوط می‌شود که با مجوز قانونی مطابق همین ماده قانونی صورت می‌گیرد، زیرا امروزه کار برداشت و استخراج شن و ماسه که یکی از شیوه‌های درآمدزایی محسوب می‌شود باعث هجوم بی‌رویه متقاضیان دریافت مجوز برای استخراج شن و ماسه خواهد شد و از طرف دیگر به دلیل فقدان کنترل و نظارت از سوی مسئولان امر بیش از مجوز به برداشت شن و ماسه از بستر رودخانه‌ها و حتی کوه‌ها اقدام می‌شود. لذا صدور این مجوزهای بی‌حساب و کتاب و بعضاً تحصیل شده از طریق روابط، به جای ضوابط قانونی موجب آسیب‌های جدی به خاک و محیط زیست خواهد شد (شاگری، رضایی و رهنمازاده، ۱۴۰۰: ۱۴-۱۳). به این ترتیب با توجه به نکات پیش گفته به منظور پیشگیری از احتمالات بیان شده، قسمت اخیر بند «ت» ماده (۱) به متن اضافه شده است.

نکته بعدی، در ماده (۲۱) قانون حفاظت از خاک مصوب ۱۳۹۸ است. این ماده در واقع به موضوع انتقال خاک می‌پردازد. در این ماده بیان شده است که انتقال خاک

به خارج از کشور ممنوع است و مجازات درجه ۵ را برای آن در نظر گرفته است. ابهامی که در این خصوص وجود دارد و اصل تناسب جرم و مجازات را خدشه‌دار می‌کند این است که مقدار خاک انتقالی در آن مشخص نیست. به‌طور مثال، کسی که ۵۰ کیلو خاک قاچاق می‌کند، با او همان برخوردی می‌شود که شخصی ۱۰ تن خاک قاچاق می‌کند. بنابراین مشخص است کسی که در این وادی مرتکب عمل مجرمانه می‌شود با یک حساب ساده و هزینه‌های جرم، سعی در انتقال خاک بیشتر خواهد داشت. به‌نظر می‌رسد باید از منطق فازی استفاده کرد، با درجه‌بندی بین رفتار ارتكابی و مجازات، تناسب حاصله به عدالت بسیار نزدیک‌تر است. ضمناً به‌لحاظ ادبی (متون قانونی)، استفاده از واژه «انتقال خاک» دارای ابهام است؛ چراکه برخلاف شیوه خود قانون حفاظت از خاک که در ماده (۱) به تعریف اصطلاحات پرداخته است، واژه انتقال خاک را تعریف نکرده است. این عدم بیان قانونگذار، بدون شک به تعاریف متعدد و ابهام منجر خواهد شد. بنابراین استفاده از واژه‌های مبهم قانون را از صراحت و کیفیت متناسب خارج می‌کند.

درمجموع، به‌نظر می‌رسد که از جامع‌نگری لایحه اولیه در سال ۱۳۸۸ کاسته شده و قانون مصوب، فاقد نگرش جامع و سیستمی به مدیریت خاک است. تصویب قوانین جداگانه و پراکنده از جمله قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع کشور مصوب ۱۳۴۶، قانون واگذاری و احیای اراضی مصوب ۱۳۵۹، قانون حفظ کاربری اراضی کشاورزی مصوب ۱۳۸۵، قانون جلوگیری از خرد شدن اراضی کشاورزی مصوب ۱۳۸۵، قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی مصوب ۱۳۸۹ و ... این مسئله را تشدید کرده است.

ازاین‌رو می‌توان گفت تعادل میان وظایف و اختیارات وزارت جهاد کشاورزی و سازمان محیط زیست بر هم خورده و تمرکز قانون بیشتر بر آلودگی خاک و راه‌های مقابله با

آن قرار گرفته است و تخریب خاک نیز فاقد تعریف مشخص است و ارتباط این قانون با برنامه‌های توسعه کشور و آمایش سرزمین مشخص نیست. ضمناً تعریف مشخص و شفاف از تخریب اراضی و نحوه مقابله با آن ارائه نشده است. جنبه‌های حقوقی و جزایی مذکور در قانون، فاقد شفافیت و مغشوش است و ممکن است تعارض حقوقی را تشدید کند. همچنین نقش تشکل‌های کشاورزی، نظام‌های بهره‌برداری از اراضی کشاورزی و مسائل اجتماعی - اقتصادی در مدیریت پایدار خاک، مغفول مانده است. مدیریت پایدار خاک بدون جلب مشارکت کاربران اراضی و ذی‌نفعان، بی‌سرانجام و ناکارآمد خواهد بود.

نکته مهم دیگر اینکه، آنچه از قانون حفاظت خاک مصوب ۱۳۹۸ برداشت می‌شود توجه به مرتکبان است که خود در بعضی از موارد قربانی اشخاص صاحب‌نفوذ (بقه سفیدها یا شرکت چندملیتی یا شرکت‌های بزرگ ملی) هستند. از نقطه‌نظر مسئولیت، در قبال اعمال یک شرکت که تحت تصدی یک شرکت بسیار بزرگ‌تر است، شرکت متصدی مسئول است در حالی که ذی‌نفع واقعی شرکت بزرگ‌تر است. بنابراین به جای اینکه علت واقعی، مسئول دانسته شود، شرکت‌های زیرمجموعه و گاه‌ب‌اطلاع از اهداف و نیات صاحبان شرکت‌های بالادست خود مجازات خواهند شد که از عدالت به‌دور است. نکته مهم دیگر اینکه برخی شرکت‌ها، برداشت عموم جامعه از فعالیت‌های شرکت‌های حقوقی با فعالیت‌های غیرقانونی و مجرمانه نه‌تنها بد نیست بلکه دارای حسن‌ظن نیز است، حتی بعضی موارد در موقع اعمال قانون با واکنش منفی جامعه در خصوص جلوگیری از فعالیت غیرقانونی شرکت‌ها روبه‌رو است.

درواقع جامعه فعالیت‌های شرکت‌ها و حتی اشخاص را با نگاه مثبت می‌بیند. به‌نظر می‌رسد قانونگذار در خصوص جرائم مندرج در قانون حفاظت از خاک، (حسب

جنبه‌های اقتصادی که در حوزه خاک مطرح است) به‌منظور پرهیز از فرار شرکت‌ها از مسئولیت کیفری، «اصل مسئولیت صرف» را به رسمیت می‌شناسد؛ چراکه با در نظر گرفتن مطالب پیش‌گفته، احراز عنصر معنوی شرکت‌ها از سوی قضات امری بسیار سخت، پیچیده و زمان‌بر است. ضمناً می‌توان از اصل «پرداخت آلوده‌ساز» یا «اصل جبران خسارت ناروا» استفاده کرد که در حقوق بین‌الملل محیط زیست مطرح است. این اصل بیان می‌دارد که عامل یک فعالیت که موجب ورود خسارت به محیط زیست شده باید جبران خسارت کند (حبیبی، ۱۳۸۳: ۱۵۳). بنابراین به جای توجه به عامل اولی که مشکل را به وجود آورده، باید به فعالیت ذی‌نفعان واقعی این اقدام‌ها توجه کرد و دست قضات را برای اعمال مجازات چنین اشخاصی باز گذاشت. نکته آخر اینکه کشورهای مختلف برای کیفرگذار در خصوص حفاظت از خاک علاوه بر مجازات‌های کیفری از سایر مجازات‌های اداری و مدنی نیز استفاده کرده‌اند. کشور چین در قانون حفاظت از خاک مصوب سال ۲۰۱۹ ماده (۹۸) در مقام ارجاع به مواردی که تخلف از قانون اخیرالذکر موجب آسیب به امنیت عمومی شود، به مجازات‌های اداری ارجاع می‌دهد و سپس نسبت به جرم‌انگاری اقدام می‌کند.

۳. ارزیابی از منظر راهبردهای بازپروری

در هندسه قانون اساسی بسیاری از نظام‌های حقوقی اهمیت خاصی برای بازپروری مجرمان قائل شده و مقررات خاصی را در این خصوص وضع می‌کنند. این مهم مورد توجه قانونگذار مؤسس کشور قرار گرفته است و در بند «۵» اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی^۱ وظیفه «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین»

۱. اصل یکصد و پنجاه و ششم: «قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است: ... ۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین».

برعهده قوه قضائیه نهاده شده است. ماهیت اصلاح و درمان، از لحاظ راهبردی به بازسازی اجتماعی مجرم نزدیک تر است. بازپروری در این معنا استفاده از اقدامها و تدابیری است که مجرم به وضعیتی از رفتار اجتماعی مناسب و بهتر بازگرداند؛ وضعیتی که فرد پیش از ارتکاب به رفتار مجرمانه دارا بوده است. البته اگر فرد پیش از ارتکاب رفتار مجرمانه از تواناییهای اساسی لازم برای یک زندگی اجتماعی سالم بی بهره بوده است او در معرض فرایند دیگری به نام پرورش قرار می گیرد. رویکردهای اصلاحی و تربیتی یکی از مباحث مطروحه مهم نزد جرم شناسان در دهه های اخیر بوده است. بنابراین توجه به این بخش از جمله موارد یک سیاست جنایی متعالی است. سیاست اصلاح و درمان، سیاست انسانی و حقوق بشری است، چراکه براساس مبانی حقوق بشر، دولت ها ضمن حق اعمال مجازات، موظف به رعایت کرامت انسانی هستند (بهمنی فخر، ۱۳۹۹: ۱۴۴).

میزان توجه قانونگذار کیفری به اصلاح و تربیت مجرمان را می توان در شاخصه ها و ملاک هایی جویا شد که از جمله آنها می توان به استفاده کمتر از مجازات های تهریبی و رویکرد بیشتر به مجازات های اصلاحی، استفاده از تدابیر تربیتی و درمانی، راهکار فردی کردن مجازات، اعطای اختیارات افزون تر به قضات در جهت عفو مجرمان اشاره کرد (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۸: ۹۲). راهبردها و تدابیر در قوانین ایران به دو قسمت قابل تقسیم است: اولاً راهبردهای اسلامی مثل توبه، ثانیاً راهبردهای نوین مثل عفو، تعلیق تعقیب، تعلیق مجازات، تعویق و

با مراجعه به قانون حفاظت از خاک مصوب ۱۳۹۸ به هیچ کدام از راهبردهای فوق اشاره نشده است. اگر این تحلیل و تفسیر حقوقی پذیرفته شود که در صورت عدم اشاره و بیان قانونگذار به تدابیری که در فوق ذکر شد، می توان به قوانین عام رجوع کرد. باید در نظر داشت که براساس قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ برخی از تدابیر کیفری که نسخ

شده است می‌توانست این خلأ را پر کند.

براساس ماده (۷۲۸) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که اشعار می‌دارد: «کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون از جمله قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۵/۸، مواد ۶۲۵ تا ۶۲۹ و مواد ۷۲۶ تا ۷۲۸ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی «تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده» مصوب ۱۳۷۵/۳/۲، قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹/۲/۱۲ و قانون تعریف محکومیت‌های مؤثر در قوانین جزایی مصوب ۱۳۶۶/۷/۲۶ و اصلاحات و الحاقات بعدی آنها نسخ می‌گردد». قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹ که یکی از مهم‌ترین قوانین در خصوص اشخاصی که حالت خطرناک به آنها صدق می‌کرد، نسخ شد. تدابیر مندرج در این خصوص موارد متعددی را دربرمی‌گرفت که یکی از مهم‌ترین تدابیر آن ضمانت‌های مالی بود که می‌توانست در جرائمی مربوط به قانون حفاظت خاک مصوب ۱۳۹۸ که مجرمان آن بیشتر به دنبال سود مالی هستند، بسیار راهگشا باشد. اقدام‌های تأمینی تربیتی نگاه به آینده دارد. اساس وجودی اقدام‌های تأمینی و تربیتی به شناخت مفهوم حالت خطرناک در مجرم و تلاش برای خنثی کردن این وضعیت برمی‌گردد که با تدابیر تأمینی، اصلاحی، درمانی و تربیتی حاصل می‌شود. حالت خطرناک، حالت فردی است که با قرار گرفتن در وضعیت‌های اجتماعی دشوار با این خطرپذیری (ریسک) روبه‌رو می‌شود که به اندیشه مجرمانه خود جامه عمل بپوشاند (کی‌نیا، ۱۴۰۰: ۱۳۲).

با بررسی متون قانون و مقررات کیفری فعلی زمانی می‌توان از این اقدام‌ها استفاده کرد که شخص، مرتکب جرم شده باشد، درواقع این اقدام‌ها براساس قوانین موجود از زمره اقدام‌های پسینی است هرچند فلسفه وجودی اقدام‌های تأمینی آن را به قبل از جرم تسری می‌دهد ولی با توجه به مفسده‌های مترتب بر آن، به نظر می‌رسد صحیح‌تر باشد که حالت خطرناک در شخص بروز کرده باشد. بنابراین صرف وجود حالت خطرناک

در یک فرد مادامی که لطمه‌ای به نظم و امنیت اجتماعی وارد نساخته است نمی‌تواند مبنایی برای واکنش ازسوی نظام عدالت قرار گیرد.

قانون حفاظت از خاک مصوب ۱۳۹۸ فاقد جنبه‌های لازم برای پیشگیری از بروز حالت خطرناک بزهکاران است. این قانون براساس بند «ج» و «خ» ماده (۱) که اشخاص مجرم را اعم از حقیقی و حقوقی می‌داند، می‌بایست اقدام‌های مشخص تأمینی را برای اشخاص ناقض قانون، مدنظر قرار می‌داد.

با در نظر گرفتن ماده (۴۰) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که به بحث تعویق حکم می‌پردازد و نیز ماده (۸۱) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که اشعار می‌دارد: «در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است، چنانچه شاکی وجود نداشته، گذشت کرده یا خسارت وارده جبران گردیده باشد و یا با موافقت بزه‌دیده، ترتیب پرداخت آن در مدت مشخصی داده شود و متهم نیز فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، دادستان می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم و در صورت ضرورت با اخذ تأمین متناسب، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند...»، جرائم مشمول این دو ماده قانونی، جرائم درجه شش، هفت و هشت است بنابراین مجرمان ماده (۲۱) قانون حفاظت از خاک نمی‌توانند از آن بهره‌ای ببرند.

اشخاص حقوقی از جمله بزهکارانی هستند که در جرائم محیط زیستی مانند جرائم مندرج در قانون حفاظت خاک مصوب ۱۳۹۸ رویکرد اصلاحی و درمانی نسبت به آنها می‌تواند خلاقانه بوده و در اصلاح آنها مؤثرتر عمل کرد. هرچند ظرفیت‌های قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین در اعمال رویکردهای اصلاح و درمان مدنظر است اما می‌توان از قرارهای تأمینی مثل قرار ارائه تضمین مالی، قرار شرکت در برنامه‌های وزارت جهاد کشاورزی و محیط زیست در خصوص حوزه خاک، قرار شرکت در برنامه‌های آموزشی، قرار پرداخت هزینه‌های تحقیقات محیط زیستی یا مربوط به خاک و ... در جهت اصلاح و درمان اشخاص حقوقی استفاده کرد.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در ارزیابی سیاست جنایی تقنینی در قبال قانون حفاظت از خاک مصوب ۱۳۹۸ با تأکید بر معیار جامعیت و تناسب درباره راهبردهای پیشگیری از جرم، در خصوص پیشگیری اجتماعی، در قانون حفاظت از خاک مصوب ۱۳۹۸ صرفاً در ماده (۲۴) به موضوع آموزش از طریق رسانه دولتی توجه شده است و در رسانه‌های مورد خطاب قانونگذار، تنها صدا و سیما دارای مسئولیت است. در حالی که برای پیشگیری اجتماعی از ظرفیت‌های بیشتری می‌توان بهره‌مند شد. عدم استفاده از راهبردهای سیاست جنایی پیشگیری مشارکتی در مقوله پیشگیری کنشی و واکنشی از خلأهای قانونی است که می‌توانست به‌عنوان یک راه‌حل مناسب در متن قانون گنجانده شود. بنابراین علاوه بر اضافه کردن استفاده از رسانه‌های مختلف در متن قانون، باید متن را از انحصار خارج کرد به‌طوری‌که علاوه بر آگاهی‌بخشی با آموزش به اشخاص به لزوم آگاهی‌بخشی و آموزش به تمامی افراد درگیر با موضوع قانون از جمله قضات توجه ویژه کرد. در خصوص روش‌های متنوع پیشگیری وضعی، قانونگذار مواردی را لحاظ کرده اما در به‌کارگیری و استفاده از همه آنها، دارای جامعیت لازم نیست. برای پیشگیری کیفری با در نظر گرفتن مواد ۱۴ تا ۲۱ به‌نظر می‌رسد علاوه بر ابهام در به‌کارگیری مواد قانونی و پراکندگی در شناسایی مسئولان به قانون و نیز استفاده از واژه‌های مبهم مثل «وضعیت اضطراری» در تبصره ماده (۱۵)، میزان مجازات‌های مرتکبان جرائم در قانون حفاظت از خاک در مواد پیش‌گفته به‌جز ماده (۲۱) در سایر مواد بازدارنده نیست. مواد قانونی مندرج در قانون حفاظت از خاک با توجه به مجازات‌ها، دادسرا به‌عنوان نهاد اصلی در پیگیری جرائم مربوط به بیت‌المال و امور عام، غالباً از فرایند رسمی آیین دادرسی خارج شده و نهادی مانند شورای حل اختلاف یا دادگاه‌های کیفری دو جایگزین شده‌اند. در مجموع به‌لحاظ پیشگیری از جرم، قانون حفاظت از خاک، دارای جامعیت لازم نیست و نیازمند قوانین تکمیلی به‌منظور

ارتقای قانون در ایجاد مانع و حفظ عنصر مهمی از محیط زیست یعنی خاک است. همچنین اقدام‌های پسینی کیفرمدار قانون حفاظت خاک دارای خلأهای متعددی است اولاً استفاده از واژه‌های نامشخص مانند انتقال خاک یا استفاده از واژه وضعیت اضطراری با تعریفی مبهم در بند «ع» ماده (۱) قانون حفاظت از خاک مصوب ۱۳۹۸ محل ایراد و نظر است. ثانیاً استفاده از مجازات‌های نسبی و خارج کردن دادسرا به‌عنوان متولی اصلی پیگیری حفظ بیت‌المال (مدعی‌العموم) یکی دیگر از ایرادهای مطروحه در این قسمت است؛ چراکه جرائم بیان شده در این قانون جرائم اعتباری بوده و فاقد بزه‌دیدگی مشخص است و ایجاب می‌کند در این راستا قانونگذار دقت بیشتری را اعمال نماید.

درنهایت به‌نظر می‌رسد این جرائم در قانون حفاظت از خاک با جرائم مشابه در سایر قوانین دارای هم‌پوشانی بوده و تکرار واژه‌های مشابه است به‌طور مثال در تعریف آلودگی خاک؛ بیان چنین مواردی به‌نظر حشو می‌رسد، هرچند به‌لحاظ ادبی تعریف بیان شده در قانون حفاظت از خاک در مقایسه با قانون مجازات اسلامی در بخش تعزیرات، واژه دقیق‌تری انتخاب شده است. اما درخصوص رویکرد اصلاح و درمان در قانون حفاظت از خاک مصوب ۱۳۹۸ به‌نظر می‌رسد قانونگذار باید با ارائه اقدام‌های خلاقانه و به‌طور مشخص ضمانت‌های مالی، از بروز تکرار جرم و آسیب‌های متعدد و گاهاً شدید به محیط زیست و به‌صورت خاص به خاک پیشگیری می‌کرد ولی متأسفانه این موضوع مورد غفلت و بی‌توجهی قانونگذار قرار گرفته است. مطلب مهم دیگر اینکه، مقنن باید در متن قانون، قوانین مرتبط دیگر یا مشابه را نسخ می‌کرد؛ چراکه علاوه بر جلوگیری از تفاسیر حقوقی و آرای متناقض قضایی، به کاهش تورم کیفری منجر می‌شد. به‌نظر می‌رسد این قانون به‌رغم اینکه دارای مزیت‌های مناسبی است و بعضاً خلأ قانون را درخصوص موضوع خاک پر کرده است ولی دارای جامعیت لازم نبوده و دارای ایرادهایی است که نیازمند بازنگری در قانون و حل ایرادهای مطروحه در مطالب پیش گفته است.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. آنسل، مارک (۱۳۹۶). *دفاع/اجتماعی*، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ چهارم، انتشارات گنج دانش.
۳. ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۴). *مجموعه رویه‌های بین‌المللی پیشگیری از جرم*، چاپ سوم، تهران، انتشارات میزان.
۴. ——— (۱۴۰۱). *جرم‌شناسی پیشگیری*، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان.
۵. ایروانیان، امیر، رحیم کنار کوهی و امیر پاک‌نهاد (۱۴۰۰). «جرائم تهدیدکننده بهداشت عمومی آب و خاک از منظر حقوق کیفری»، *مجله حقوق پزشکی*، ویژه‌نامه نوآوری حقوقی.
۶. بابایی، محمدعلی و داور مهدوی (۱۳۹۱). «قلمرو کیفری و جایگاه آن در نظام حقوقی ایران»، *مجله آموزه‌های حقوق کیفری*، ش ۳.
۷. بولک، برنارد (۱۴۰۰). *کیفرشناسی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ هشتم، تهران، انتشارات مجد.
۸. بهمنی فخر، سید صابر (۱۳۹۹). «بازپرووی اسلامی و عادلانه مجرمان، الزامی غیرقابل انکار»، *فصلنامه رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی*، دوره دوم، ش ۲.
۹. پاک‌نهاد، امیر (۱۳۹۴). *سیاست جنایی ریسک مدار*، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
۱۰. پرادل، ژان (۱۳۷۶). «به‌دنبال اصول راهبردهای مشترک آیین دادرسی کیفری مختلف اروپایی»، ترجمه منوچهر خزایی، *مجله حقوقی بین‌الملل*، ش ۲۱.
۱۱. جمشیدی، علیرضا (۱۳۹۴). *سیاست جنایی مشارکتی*، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
۱۲. حاجی‌ده‌آبادی، محمدعلی (۱۳۸۸). «اصلاح مجرمان در سیاست جنایی تقنینی ایران»، *فصلنامه حقوق*، دوره ۳۹، ش ۳.
۱۳. ——— (۱۴۰۰). «تقریرات درس سیاست جنایی»، *دانشکده حقوق*، دانشگاه قم.

۱۴. حبیبی، حسن (۱۳۸۳). *حقوق بین‌الملل عمومی*، جلد دوم، چاپ دوم، انتشارات اطلاعات.
۱۵. دلماس مارتی، میری (۱۳۹۸). *نظام‌های بزرگ سیاست جنایی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ چهارم، تهران، نشر میزان.
۱۶. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۳). «ریهافتی نو به بنیان‌های نظری پیشگیری از جرم»، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره ۶۸، ش ۴۸ و ۴۹.
۱۷. شاکری، ابوالحسن، رحمت‌اله رضایی و ابراهیم رهنمازاده (۱۴۰۰). «حمایت کیفری از خاک در فقه امامیه و قانون ایران»، *تارنمای سازمان امور اراضی کشور*، https://laoi.ir/index.aspx?page=_download&lang1=&sub=0&PageID=250&PageIDF=14&tempname=main
۱۸. صفاری، علی (۱۳۸۸). گفتگو با انجمن ایرانی جرم‌شناسی، *خبرنامه انجمن ایرانی جرم‌شناسی*، ش ۱۱-۱۲.
۱۹. کلارک، رونالد وی و جان اک (۱۳۸۸). *جرم‌شناسی پیشگیری*، ترجمه مهدی مقیمی و مهدیه نقی‌زاده، انتشارات سازمان زرد.
۲۰. کی‌نیا، سیدمهدی (۱۴۰۰). *مبانی جرم‌شناسی*، جلد اول، چاپ نوزدهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۱. لازرژ، کریستین (۱۴۰۰). *درآمدی بر سیاست جنایی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ نهم، تهران، نشر میزان.
۲۲. مارشال، تونی (۱۳۸۴). *عدالت ترمیمی*، ترجمه امیر سماواتی، چاپ نخست، تهران، انتشارات خلیلیان.
۲۳. مسکنی، زهره (۱۳۸۴). «بررسی تأثیر رسانه‌ها در وقوع و پیشگیری از جرائم»، *نشریه اصلاح و تربیت*، سال چهارم، ش ۴۱.
۲۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۸). *افق‌های نوین حقوق کیفری*، تهران، نشر میزان.
۲۵. _____ (۱۳۸۸). «جرم‌شناسی نو - کیفرشناسی نو»، *در تازه‌های علوم جنایی*، تهران، نشر میزان.
۲۶. _____ (۱۳۹۱). «جرم‌شناسی حقوقی»، *تازه‌های علوم جنایی*، جلد دوم، تهران، نشر میزان.
۲۷. _____ (۱۴۰۰). «درباره رابطه همسازی سیاست جنایی با کارآمدی سیاست‌های جنایی» (دیباچه

- سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال حفاظت از خاک مصوب ۱۳۹۸ با تأکید بر معیار جامعیت و تناسب ————— ۱۷۷
- ویراست پنجم اثر کریستین لازرژ در کتاب *درآمدی بر سیاست جنایی*، چاپ نهم، تهران، نشر میزان.
۲۸. ————— (الف ۱۳۹۰). «سیاست کیفری عوامگرا (تقریرات درس سیاست جنایی)»، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.
۲۹. ————— (ب ۱۳۹۰). *دانشنامه جرم‌شناسی*، چاپ دوم، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش.
۳۰. نوبهار، رحیم و مریم‌السادات تقی‌زاده (۱۳۹۸). «درآمدی بر ارزیابی سیاست جنایی»، *دایره‌المعارف علوم جنایی*، جلد چهارم، تهران، نشر میزان.
۳۱. نوبهار، رحیم، مریم‌السادات تقی‌زاده و حسین غلامی دون (۱۳۹۸). «مبانی ارزیابی سیاست جنایی»، *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، دوره ۴۹، ش ۲.
۳۲. وایت، راب و فیونا هینز (۱۴۰۱). *جرم و جرم‌شناسی (نظریه‌های جرم و کجروی)*، ترجمه علی سلیمی، چاپ یازدهم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۳. ولد، جرج، برنارد توماس و استیپس جفری (۱۳۸۸). *جرم‌شناسی نظری (گذری بر نظریه‌های جرم‌شناسی)*، ترجمه علی شجاعی، تهران، انتشارات سمت.
۳۴. ویلیامز، فرانک پی و ماری‌لین‌دی‌مکشین (۱۳۹۸). *نظریه‌های جرم‌شناسی*، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، چاپ هفتم، تهران، نشر میزان.
35. Deichsel, W. (1994). "Criminal Policy as Criminal Justice or Social Policy?", *Comparative Public Management: Putting US Public Policy and Implementation in Context*, 185.
36. Jareborg, N. (1995). "What Kind of Criminal Law Do We Want?", In A. Share (ed.), *Beware of Punishment: on the Utility and Futility of Criminal Law*, *Scandinavian Studies in Criminology* (Oslo: Pax Forlag, 1995), Vol. 14.
37. Lathi, R. (2000). "Towards a Rational and Humane Criminal Policy: Trends in Scandinavian Penal Thinking", *Journal of Scandinavian Studies in Criminology and Crime Prevention*, 1 (2).
38. Weyembergh, Anne and Irene Wieczorek (2016). "Is There an EU Criminal Policy", *EU Criminal Justice and the Challenges of Diversity: Legal Cultures in the Area of Freedom, Security and Justice*, 9781107096585_pi-268.